

قلمرو احباط با نگاه نقادانه از منظر امامیه و اهل سنت^۱

<https://doi.org/10.22034/pke.2025.21130.1983>

۱- داود خوش‌باور

استادیار گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Davuod khoshbavar

Assistant Professor Department of Islamic Studies, Farhangian University of Tehran, Tehran, Iran
(Corresponding Author).

d.basirat@cfu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-5557-697X>

۲- حسین ضیایی

دانش آموخته سطح چهارفقه و اصول حوزه علمیه قم، قم، ایران.

Hossein Ziaee

Graduate of the level of Four Jurisprudence and Principles of Qom Seminary, Qom, Iran.

h.ziaee@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0002-5430-5400>

¹. Scope of Iḥbāt: A Critical Perspective from Imami and Sunni Viewpoints

نوع مقاله: مقاله پژوهشی
دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵
بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸
انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

Article Type: Research Article

Received: 04 May 2025

Received in revised form: 09 June 2025

Accepted: 09 July 2025

Available online: 23 August 2025

قلمرو احباط با نگاه نقادانه از منظر امامیه و اهل سنت

چکیده

مسئله احباط از مباحث بنیادین در حوزه کلام اسلامی است که به تبیین رابطه میان ایمان و عمل صالح و سعادت اخروی می‌پردازد. همچنین، این مسئله در نسبت با شقاوت ابدی ناشی از کفر و معصیت، محور اصلی اختلاف نظرها، کیفیت و چگونگی تحقق احباط است.

هدف این پژوهش، تحلیل و بررسی سه دیدگاه کلامی در مسئله احباط، در راستای حسابرسی اعمال، حکمت و عدل الهی است که همواره، محل نزاع و گفتگوی کلامیون بوده است لذا در این مقاله با تأکید بر دیدگاه امامیه و مقایسه آن با آرای اهل سنت، به‌ویژه معتزله است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع اسنادی و داده‌های کتابخانه‌ای است.

یافته‌های پژوهش طبق نظر امامیه (منکر احباط و تفسیر مجازی آن) بر مبنای استدلال‌های قرآنی و روایی از اتقان بیشتری برخوردار است. در مقابل، معتزله قائل بمعنای حقیقی احباط بوده و به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی که قائل به احباط کلی اعمال و گروهی دیگر نظریه احباط جزئی و موازنه میان حسنات و سیئات را مطرح می‌کنند. با تحلیل و بررسی مستند این سه دیدگاه، نتیجه‌گیری نهایی مؤید نظر امامیه مبنی بر نفی احباط کلی اعمال و تأکید بر عدالت و حکمت الهی در پاداش و عقاب است.

کلید واژه‌ها: احباط، فریقین، متکلمان امامیه، اهل سنت، معتزله

مقدمه

یکی از مسائل بنیادی در حوزه اخلاق و کلام اسلامی، بررسی تأثیر متقابل اعمال نیک و بد در تعیین سرنوشت اخروی انسان است. پرسش‌هایی چون اینکه آیا اعمال نیک می‌توانند آثار اعمال بد را از بین ببرند یا خیر، از دیرباز مورد توجه متفکران دینی قرار گرفته است. در متون اسلامی، مفاهیم «احباط» و «تکفیر» برای تبیین این مسئله به کار رفته‌اند: احباط به معنای زوال آثار اعمال نیک بر اثر گناهان، و تکفیر به معنای پوشانده شدن آثار گناهان توسط اعمال نیک.

این مسئله نیازمند بررسی دقیق متون دینی و تحلیل دیدگاه‌های مختلف متکلمان اسلامی، به‌ویژه امامیه و اهل سنت است. همچنین، ابعاد فلسفی و عرفانی این بحث، بر پیچیدگی آن می‌افزاید و ضرورت نگاه بینارشته‌ای را دوچندان می‌سازد (مصباح یزدی، ۱۳۶۵: ۵۸).

در این راستا، سه رویکرد اصلی قابل شناسایی است:

۱. دیدگاه امامیه (منکران احباط): بر این باورند که ایمان و عمل صالح تنها در صورتی موجب پاداش الهی می‌شود که تا پایان عمر استمرار یابد. اگر پس از آن کفر یا گناه کبیره رخ دهد، فرد از ابتدا مستحق پاداش نبوده است. در این دیدگاه، احباط معنای مجازی دارد و نه حقیقی (سید مرتضی، ۱۴۰۵: ۲، ۲۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱، ۵۵۲ و ۷۲۱؛ بحرانی، ۱۴۰۶: ۱۶۴).

۲. دیدگاه معتزله (قائلان به احباط حقیقی): معتزله معتقدند عمل بد می‌تواند عمل نیک را نابود کند. در این نظریه، پاداش از بین می‌رود، نه شرایط آن. این دیدگاه به دو شاخه تقسیم می‌شود:

○ احباط کلی: نابودی کامل ثواب اعمال نیک توسط گناه (ابن حزم، ۴: ۵۸-۶۱).

○ احباط جزئی (موازنه): سنجش اعمال نیک و بد برای تعیین پاداش یا عقاب (قاضی عبدالجبار، ۶۲۸-۶۲۹؛ تفتازانی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۴۱ و ۱۴۴).

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای، بر پایه منابع معتبر اسلامی، در پی تبیین و بررسی دیدگاه‌های مطرح پیرامون احباط و ارائه تحلیلی جامع از آن است. چنانچه یکی از مسائل مهم اعتقادی که در بحث حکمت الهی و همچنین معاد، حسابرسی اعمال و عدل الهی همواره از زمان‌های مختلف محل نزاع و گفتگوی متکلمین بوده، مسأله احباط و تکفیر است، لذا در اصل پذیرش این مسئله اختلاف شدیدی بین متکلمان است که آیا احباط و تکفیر اساساً تحقق خواهد یافت؟ و یا برخی از متکلمان بر این عقیده اند که تحقق احباط با عدل و حکمت خداوند ناسازگار است و نیز در مورد تکفیر اگر قرار باشد عمل نیکی، کلیه گناهان پیشین را از بین ببرد با حکمت جعل احکام منافات دارد، لذا قصد و هدف و مقصد اصلی این پژوهش بررسی و تبیین قلمرو احباط از منظر امامیه و اهل سنت است که در آن ضمن بیان نقاط قوت و ضعف هر کدام از دیدگاه‌ها، به مواضع خلاف و وفاق ظاهری آن پرداخته می‌شود.

پیشینه مسئله احباط اعمال

یکی از نکات مغفول در بسیاری از آثار مرتبط با مسئله احباط، بررسی صریح این پرسش است که آیا قاعده احباط به‌طور مشخص در آیات و روایات بیان شده است یا خیر. نگارنده با جستجو در منابع کلامی معتبر و اصیل، اثری مستقل که به‌صورت اختصاصی به این پرسش پرداخته باشد نیافته است. اگرچه در آثار مهمی همچون الذخیره فی علم کلام سید مرتضی، سرمایه ایمان و گوهر مراد محقق لاهیجی، فصول العقائد شیخ طوسی، کشف المراد و کشف الفوائد علامه حلی از منابع شیعه، و نیز در کتاب‌هایی از اهل سنت نظیر الرشاد الی قواطع الادله فی اصول جویی و شرح اصول خمس قاضی عبدالجبار، اشاره‌هایی به این مسئله شده، اما در همه این آثار، بحث احباط به‌صورت استطرادی و در قالب استناد به کتاب و سنت برای تقویت دیدگاه‌های کلامی مطرح شده است.

در عمده متون کلامی، مسئله احباط بیشتر با رویکرد عقلانی مورد بررسی قرار گرفته و استدلال‌های ارائه‌شده غالباً بر بنیان‌های عقل نظری استوار بوده‌اند. از این‌رو، جنبه‌های نقلی و وحیانی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پرسشی اساسی در این زمینه آن است که آیا احباط صرفاً ساخته و پرداخته ذهن متکلمان اسلامی است یا اینکه مستندات قرآنی و روایی برای آن وجود دارد؟ با وجود این، در سال‌های اخیر برخی کتب و مقالات، هرچند محدود، به این موضوع پرداخته‌اند؛ از جمله مهم‌ترین آن‌ها...

۱. مقاله «تحلیل کلامی قرآنی احباط و تکفیر با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان» نوشته حسن مهدی فر، نویسنده در این پژوهش به بررسی دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان پرداخته که احباط و تکفیر به کار رفته در قرآن با معنای کلامی آن متفاوت است. ایشان ضمن ردّ احباط و تکفیر کلامی، معتقد است در قرآن، متعلق حبط، عمل است و حبط عمل به معنای باطل شدن واز تأثیر افتادن آن است. برخلاف دیدگاه معتزله، ایشان معتقد است تکفیر نه به صورت عام بلکه در برخی موارد و نه به صورت وجوب بلکه از روی تفضل است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بطلان و بی تأثیر بودن اعمال نیک به واسطه برخی گناهان (حبط) و نیز از بین رفتن گناهان به واسطه برخی اعمال نیک (تکفیر) فی الجمله از آیات متعدد قرآن قابل اثبات است؛ اما اشاره ای جمعی به دیدگاه متکلمان نداشته است.

۲. مقاله «شبکه معنایی احباط در قرآن کریم» نوشته داود معماری و اعظم اسدالهی، نویسنده در این مقاله در پی معنا شناسی واژه قرآنی احباط است و آن را به معنای فاسد شدن و در فرهنگ دینی، از بین رفتن حسنات با سیئات است.

۳. پایان نامه «احباط و تکفیر عمل از دیدگاه فخرالدین رازی و آیت الله جوادی آملی» نوشته زینب عباسی آغوی، با استاد راهنمایی اقدس یزدی، نویسنده در پی دو بررسی دو دیدگاه فخرالدین رازی متکلم اشعری و آیت الله جوادی آملی، مفسر و فیلسوف شهیر، که خود آن نویسنده مسئله اصلی این پژوهش را مقایسه بین دیدگاه این دو عالم می‌داند.

۴. پایان نامه «چیستی احباط و تکفیر و بررسی نسبت آنها با عدل الهی» نویسنده وحیده حسینی با راهنمایی دکتر حسن پناهی آزاد و مشاوره دکتر حمیدرضا سروریان، نویسنده در راستای بررسی عدل الهی به مقوله احباط و تکفیر پرداخته که احباط و تکفیر را امامیه و اشاعره باطل دانسته اند ولی بزرگان معتزله مانند ابوعلی جبائی و ابوهاشم آن را اثبات نموده اند چرا که نویسنده قائل است احباط و تکفیر از نظر معتزله مطابق با عدل الهی است؛ چون کسی که طاعتی یا معصیتی کرده است جزای آن را می بیند ولی مطابق نظر اشاعره و امامیه این امر نه تنها عدل نبوده بلکه عین ظلم می باشد. مقاله احباط و تکفیر و رابطه آن با عدل الهی نوشته سحر کاوندی، مدینه قنبری و ابوالقاسم اوجاقلو نیز شبیه همین پایان نامه در راستای ارتباط احباط و تکفیر با عدل الهی است.

مقالات دیگری نیز در این رابطه نگاشته شده است همچون (رستگارمقدم، ۱۳۸۱: ۲۹-۳۰؛ کوچک یزدی، نجف‌آبادی، ۱۴۰۰: ۱۹؛ شجاعی، ۱۳۸۶: ش ۶۴؛ مطیع و اسعدی، مهدی و سوده ۱۳۹۰: ش ۲؛ سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم ۱۴۰۲: ش ۵۹؛ که هر کدام به بانگاهی به مساله احباط و تکفیر پرداخته اند.

امتیاز مقاله حاضر بر خلاف بسیاری از مقالات و پایان نامه های فوق که مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت، نگاه جمعی به نظریات متکلمان اسلامی با نگاه نقادانه نداشته اند اگرچه هر کدام به فراخور به بخشی یا نظریات یک متکلم واحد

و یا متکلمانی چند پرداخته اند، به قلمرو احباط (نه احباط و تکفیر) ضمن بررسی آیات و روایات، با نگاه نقادانه به منظر امامیه و اهل سنت پرداخته است لذا وجه نوآوری تحقیق حاضر این است که با دقت نظر در آیات و روایات معصومین (علیهم السلام) و با استفاده از ادله عقلی متکلمان فریقین، اعم از امامیه و اهل سنت، از جمله دیدگاه اعتزال و اشاعره، به بررسی این مسئله پرداخته شده است. این رویکرد تطبیقی که پیش از این به طور جامع و منسجم انجام نشده بود، می تواند به روشن شدن ابعاد مختلف این مسئله کمک کند.

احباط

احباط در لغت: احباط، مصدر باب افعال و از ریشه «حبط» و در لغت، به معنای باطل و فاسد کردن (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ۳، ۲)، و هدر دادن (طریحی، ۱۳۷۵: ۴، ۲۴۰) باطل کردن ثواب (جوهری، ۱۳۷۶: ۳، ۱۱۱۸) هدر دادن، محو کردن، بی تأثیری و... می باشد (مقری، ۱۹۲۸م: ۱۶۳)

احباط در اصطلاح امامیه

مکلفی که در دوره ای از زمان به انجام اعمال صالح پرداخته و به واسطه آن ها شایسته ثواب و مدح شده است، ممکن است در زمان های بعدی به ارتکاب گناهان پردازد. این گناهان به واسطه تأثیرات منفی خود، موجب می شوند که فرد مستحق عقاب و ذم گردد. به گونه ای که این گناهان قادرند اثر و ارزش آن اعمال صالح را از بین ببرند، به طوری که انگار آن اعمال نیکو هرگز انجام نشده اند و هیچ اثری از آن ها باقی نمی ماند. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۲)، (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق: ۲، ۲۶۴)، (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱، ۵۵۲ و ۷۲۱)، (بحرانی، ۱۴۰۶ق: ۱۶۴)، (حلی، ۱۴۱۷ق: ۳۵۲)، (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۳، ۱۵۴)، (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۰، ۵۷۰)؛ و از بین رفتن ثواب یا استحقاق آن یا دیگر آثار عمل خیر به وسیله گناه در تعاریف، خود عمل، متعلق احباط قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲، ۱۶۷). (عسگری، ۱۴۱۲ق: ۱، ۲۱)

دیدگاه های مختلف اهل سنت درباره احباط اعمال

در میان فرق و مذاهب اهل سنت، چهار نظریه متفاوت در خصوص احباط اعمال وجود دارد.

۱. ابطال ثواب اعمال

اولین دیدگاه به این مسئله اشاره دارد که اعمالی که در ابتدا موجب استحقاق پاداش و ثواب می شوند، ممکن است با ارتکاب کفر یا گناهان مشابه اثر خود را از دست دهند. در این صورت، فرد به جای دریافت پاداش، به واسطه اعمال ناپسند خود مستحق عقاب خواهد شد. به عبارت دیگر، این گناهان به قدری تأثیرگذارند که ثواب های قبلی را باطل کرده و فرد را از بهره مندی از پاداش ها محروم می سازند. از جمله کسانی که به این دیدگاه معتقدند، می توان به غزالی در قواعد العقاید (ص ۲۸۲)، ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه (ج ۱۳، ص ۱۳۲)، و تفتازانی در شرح المقاصد (ج ۵، ص ۱۴۳) اشاره کرد. اما فخررازی بر این باور است که این دیدگاه خالی از اشکال نیست؛ زیرا خود عمل و اجزای آن دوام و بقا ندارند تا بتوان آن را محو و باطل کرد (فخررازی، ۱۴۰۱ق: ۲، ۳۹۳).

۲. تأثیر گناهان در احسان و طاعات. (گناهان حسنات و طاعت قلیل را ساقط می کند)

این قسم را با ذکر عبارتی که مضمون آن در روایات متعددی^۳ آمده است: کوزه های غسل عبادت خود را با سرکه گناه مخلوط نکنید! که این غسل مخلوط با سرکه گناه را در روز قیامت هیچ کس از شما نخواهد خرید. در این کلام توصیه

می‌شود که انسان از گناه دوری کند چراکه هر چه گناه انسان بیشتر و بزرگ‌تر باشد، منجر به حبط اعمال و از بین رفتن بیشتر حسنات انسان می‌شود لذا از جمله معتقدان و قائلین این تفکر و دیدگاه

Pre-publication version
Unedited version

الف. جماعتی از معتزله به نقل از لاهیجی در سرمایه ایمان در اصول اعتقادات، ص ۱۶۷، و محمد جواد مغنیه در تفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۳۲۷ و ۳۲۸

ب. ابوعلی جبایی به نقل از ایجی در المواقف فی علم الکلام، ص ۳۷۹؛ و جرجانی در شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۳۸؛ و سیوری حلی در ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، ص ۴۲۱

ج. قاضی عبدالجبار در شرح اصول الخمسه، ص ۶۲۴ - ۶۲۹ و به نقل علامه حلی در انوار الملکوت فی شرح الیاقوت، ص ۱۷۲، علامه حلی در کشف المراد، ص ۵۶۰، حسینی طهرانی در شرح تجرید الاعتقاد، ص ۸۲۴؛ جمال الدین مقداد، اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه، ص ۴۳۶

د. فخر رازی (فخرالدین رازی در محصل افکار المتقدمین المتأخرین من الحكماء والمتکلمین، ص ۵۶۲، سید هاشم، توضیح المراد، ص ۸۲۴، مقصد ششم.

۳. بطلان همه طاعات

نظریه دیگری که اینجا مطرح است این است که گناهان متأخره از طاعات، همه طاعات قبلی و اعمال صالح را بدون ملاحظه کم یا زیاد، باطل می کند. از جمله معتقدان این نظریه و تفکر را می توان افراد و گروههای ذیل را معرفی کرد.

الف. خوارج، مخصوصاً اباضیه (جوینی، ۱۴۱۶ق: ۳۲۴)

ب. جمهور معتزله نیز در خصوص مسئله احباط نظرات خاص خود را دارند. به طور خاص، این دیدگاه در آثار مختلف کلامی از جمله شرح المقاصد تفتازانی (ج ۵، ص ۴۴)، المواقف ایجی (ص ۳۷۹)، الارشاد الی قواطع الادله فی اصول الاعتقاد جوینی (ص ۳۲۷) و قواعد العقائد یا اعتقادنامه غزالی (ص ۱۹۱) بیان شده است.

در نقد این سه نظریه فوق (چه ابطال ثواب اعمال، چه در تأثیر گناهان در از بین بردن احسان و طاعات و همچنین در اینکه گناهان بتواند حسنات و طاعت قلیل را ساقط می کند) بیان می شود، چگونه ممکن است که اعمال صالح و لو کم، محو و باطل شود؟ در حالیکه این با عدالت الهی سازگار نخواهد بود و

همچنین با صریح آیاتی همچون آیات ۷ و ۸ سوره مبارکه زلزال که می فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» نیز منافات دارد.

۴. نظریه موازنه (دیدگاه ابو هاشم جبائی (م. ۳۲۱ هـ.ق))

واژه «موازنه» از ریشه «وزن» به معنای سنجش یا مقایسه چیزی با چیز دیگر است؛ یعنی قرار دادن یک چیز در برابر دیگری برای ارزیابی و سنجش (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق: ۳، ۱۹۴۸؛ راغب، ۱۴۱۶ ق: ۸۶۸).

در اصطلاح کلامی، «موازنه» به حالتی اطلاق می شود که در آن مکلف همزمان اعمال صالح و سیئات را انجام می دهد. در این حالت، اعمال صالح و ناصالح او مقایسه شده و فرد مستحق نتیجه ای می شود که با غلبه یکی از آنها تعیین می شود. اگر هر دو برابر باشند، هر دو از بین می روند. این مفهوم شامل اعمال گذشته و آینده نیز می شود (ایجی، بی تا: ۳۷۹؛ جرجانی، ۱۴۱۹ ق: ۸، ۳۳۸؛ بحرانی، ۱۴۰۶ ق: ۱۶۴؛ سبحانی، ۱۳۷۰: ۴، ۳۶۵).

در خصوص مسأله موازنه، در میان متکلمان اسلامی دو دیدگاه مخالف و موافق وجود دارد. قائلان به این نظریه، از دلایل نقلی و عقلی برای اثبات آن استفاده کرده اند. در مقابل، برخی چون ابوعلی جبایی، اشاعره و بیشتر دانشمندان شیعه مانند شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، علامه حلی، و محقق لاهیجی موازنه را رد کرده اند و استدلال های نقلی و عقلی بر ضد آن آورده اند (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۸۲؛ سید مرتضی، ۱۴۱۱ ق: ۳۱۰؛ طوسی، ۱۳۶۲: ۲۶۷؛ حلی، ۱۳۸۸: ۵۶۱؛ بحرانی، ۱۴۰۶ ق: ۱۶۴؛ لاهیجی، ۱۳۶۲: ۱۳۰؛ قاضی عبدالجبار، ۱۴۰۸ ق: ۶۲۶). از این رو، از میان تعاریف مختلف احباط، تعریف صحیح تر آن است که مکلف به واسطه گناهان و معاصی خود، اثر اعمال نیک پیشین را از بین می برد و در نتیجه، پاداش اعمال نیک گذشته بر او مترتب نمی شود.

تحلیل و بررسی احباط از منظر امامیه و اهل سنت

در تحلیل مسئله احباط از دیدگاه امامیه و اهل سنت، دو محور اصلی برای بررسی مطرح است که یکی از آنها به نوع گناهانی که موجب حبط اعمال می شود، اختصاص دارد.

محور نخست: قلمرو احباط

دو سوال اینجا مطرح می شود اول اینکه آیا شرک، کفر و ارتداد موجب حبط صالح می شود؟ سوال دوم این است که آیین کفر، شرک و ارتداد موجب زائل شدن تمامی اعمال صالح می شود، یا اینکه تنها گناهان کبیره به طور کلی می توانند باعث حبط اعمال صالح گردند؟ در پاسخ به این دو پرسش، دو دیدگاه اصلی وجود دارد:

گروه اول: نظریه امامیه

معتقدان به نظریه امامیه بر این باورند که احباط تنها در مواردی مانند کفر، شرک و ارتداد اعمال می شود و اعمال صالح فرد زمانی از بین می روند که او به این گناهان بزرگ دچار شود. این دیدگاه احباط را به گناهان بزرگ و تغییرات اساسی در ایمان مانند کفر و شرک محدود می کند و آن را یک قانون کلی و عام نمی داند.

طرفداران این نظریه، که برخی از آنان نیز منکر احباط هستند، تأکید دارند که طبق قرآن، احباط تنها در موارد خاصی همچون کفر، شرک و ارتداد رخ می دهد. آنان معتقدند که افرادی که این گناهان بزرگ را مرتکب می شوند، به واسطه انکار آیات الهی، هیچ گونه ثواب و پاداشی از اعمال نیک خود نخواهند داشت و تمامی اعمال صالح آنان بی اثر خواهد شد. در این دیدگاه، گناهان کبیره که به تغییر اساسی در ایمان فرد می انجامند، تنها گناهان مؤثر در زوال ثواب هستند، در حالی که گناهان صغیره چنین تأثیری ندارند. این گروه استدلال می کنند که قرآن به وضوح بیان می کند کسانی که به آیات الهی کفر می ورزند یا آن ها را به مسخره می گیرند، اعمالشان نابود می شود. به عنوان شاهد این نظر، آیه ای از سوره کهف را نقل می کنند که می فرماید: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ دُنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا» (کهف: ۱۰۳-۱۰۶)؛ بگو آیا به شما بگویم که زیان کارترین افراد در اعمالشان چه کسانی هستند؟ آنان کسانی اند که تلاش هایشان در زندگی دنیا به بی ثمر و هدر رفته است، در حالی که گمان می کنند که در حال انجام کارهای نیک هستند. این افراد همان کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و به ملاقات او کفر ورزیده اند. در نتیجه، اعمال نیک آنان

باطل و بی‌اثر شده است. بنابراین، در روز قیامت هیچ‌گونه ارزیابی و سنجشی از اعمال آنان انجام نخواهد شد. این جزای آنان است؛ جهنم به خاطر آنکه کفر ورزیدند و آیات و پیامبران من را به تمسخر گرفتند.

آیات قرآن به وضوح بیان می‌کند که کسانی که در برابر آیات الهی مقاومت کرده و به کفر و انکار آن‌ها می‌پردازند، تمام اعمال نیکشان باطل می‌شود. چنین رفتارهایی نه تنها موجب محرومیت از پاداش می‌شود بلکه هیچ وزنی برای آن اعمال در روز قیامت نخواهد داشت.

مؤمنین اما از دایره این مفهوم خارج هستند. آنان به "ما أنزل الله" ایمان دارند، آن را می‌شناسند و با تسلیم در مسیر رضای الهی حرکت می‌کنند. بنابراین، اعمال آنان به‌طور عادلانه و جداگانه محاسبه می‌شود (طوسی، ۱۳۶۲: ۲۶۳ و ۲۶۸). بر اساس جهان‌بینی اسلامی، مؤمن به دلیل ایمان و ارتباط قلبی با خداوند، همواره فرصت بازگشت و بهره‌مندی از لطف الهی را دارد و گناهان او سبب از بین رفتن پاداش اعمال نیکش نمی‌شود. دلایل عقلانی نیز بر این مطلب تأکید دارند (حلی، ۱۳۸۸: ۵۵۹-۵۶۰؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۱).

بر اساس آیات قرآن، برخی از اعمال نیک می‌توانند گناهان را پوشش دهند یا حتی آن‌ها را محو کنند و گاهی موجب تبدیل اعمال بد به نیکو می‌شوند. این نشان‌دهنده نظام رحمت و لطف الهی است که به مؤمنان فرصت جبران و اصلاح می‌دهد. با این حال، مفهوم "تحابط" که به معنای بی‌اثر شدن مطلق اعمال خوب و بد نسبت به یکدیگر است، در منطق قرآنی قابل پذیرش نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲، ۱۷۰). آیت‌الله سبحانی نیز تأکید دارند که احباط تنها به گناهان بزرگی مانند شرک اختصاص دارد (سبحانی، ۱۴۲۷ق: ۶، ۲۷۷).

گروه دوم: دیدگاه اکثریت معتزله و خوارج در خصوص احباط اعمال

این گروه که شامل اکثریت معتزله و خوارج می‌شود، بر این باورند که احباط به‌طور واقعی در موارد مختلفی از جمله کفر، شرک و ارتداد، و همچنین سایر گناهان نیز جاری است. به اعتقاد آنان، احباط به‌عنوان یک قاعده کلی برای تمام گناهان اعمال نمی‌شود، بلکه محدود به گناهان خاصی است که در منابع دینی مانند آیات قرآن و روایات معتبر به آن‌ها اشاره شده است. به نقل از جرجانی (۱۴۱۹ق: ۸، ۳۳۵)، این نظریه مشابه دیدگاه شیخ حر عاملی است که اظهار می‌دارد: «احباط و تکفیر در ارتباط با

معاصی و طاعات وجود دارد، اما به طور واجب و عمومی تنها در زمینه کفر و ایمان تحقق می یابد و نه در دیگر موارد.»

در جمع بندی بین این دو دیدگاه این که احباط و تکفیر، فقط در موارد خاصی مانند کفر و ارتداد اعمال می شود. لذا بر اساس نظر صحیح، آیات و روایات متواتر دلالت دارند که هر کس عملی، اعم از طاعت یا معصیت، انجام دهد، مستحق ثواب یا عقاب خواهد بود. گاهی این ثواب یا عقاب موجب اسقاط یا از بین رفتن ثواب یا عقاب پیشین یا پسین می شود و در مواقع دیگر، مستحق نوع دیگری از ثواب یا عقاب می گردد که تأثیری بر اسقاط ثواب یا عقاب قبلی ندارد. تنها خداوند است که میزان و چگونگی این اسقاط را می داند (حرّ عاملی، ۱۴۱۸ق: ۲۸۵). علامه مجلسی در این خصوص می فرماید: «حق آن است که انکار اسقاط ثواب ایمان به واسطه کفر بعدی که شخص با آن از دنیا برود، امکان پذیر نیست. این امر درباره عکس آن نیز صادق است. اما اینکه این موضوع به همه اعمال، اعم از طاعات و معاصی، تعمیم یابد، مشخص نیست و اهمیت چندانی نیز ندارد. همچنین، مشخص نیست که این اسقاط از باب احباط و تکفیر است یا از این باب که اصلاً ثواب و عقابی در میان نبوده و یا ثواب به شرط عدم وقوع گناه بعدی بوده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵، ۳۳۳-۳۳۴). شهید مطهری نیز بیان می کند: «حبط اعمال تنها به کفار اختصاص ندارد و ممکن است در اعمال نیک مسلمین نیز رخ دهد. برای مثال، ممکن است یک مسلمان مؤمن برای خداوند به فقری صدقه دهد و صدقه اش مقبول درگاه الهی باشد، اما پس از آن با آزدن یا منت گذاشتن بر فقیر، آن عمل نیک خود را نابود کند» (مطهری، ۱۳۷۵: ۲۸۸-۲۸۹).

محور دوم: موافقان و منکران احباط اعمال

یکی از سوالات مهم در بررسی تأثیر اعمال بد و ناشایست بر اعمال صالح و پاداش های مرتبط با آن، این است که آیا اعمال صالح و پاداش ها به واسطه اعمال بد از بین می روند یا خیر؟ در این زمینه، دو دیدگاه اصلی وجود دارد:

نظریه اول: نظریه موافات و منکران کلی و جزئی احباط اعمال

طرفداران نظریه "موافات" بر این باورند که استحقاق انسان برای دریافت پاداش ایمان و اعمال صالح، از ابتدا مشروط به تحقق شرایط خاصی است. به عبارت دیگر، در نگاه آنان، پاداش الهی تنها در صورتی

تحقق می‌یابد که فرد تا پایان زندگی بر ایمان و صلاح باقی بماند. اگر این شرط از بین برود برای مثال، اگر فرد مرتکب گناهان بزرگی مانند کفر یا ارتداد شود اعمال نیک پیشین او نیز بی‌اثر خواهد شد و استحقاق پاداش از میان می‌رود.

در میان فرق و مذاهب اسلامی، دو دیدگاه عمده در زمینه نظریه موافات وجود دارد.

دیدگاه نخست: عده‌ای از خوارج، گروهی از مرجئه، فرقه‌ای از معتزله به نام هشامیه، و همچنین برخی از متکلمان امامیه مانند خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی نمایندگی می‌کنند (حلی، ۱۴۱۷ق: ۵۶۱؛ شهرستانی، ۱۹۹۸م: ۷۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۳۰۳). این گروه بر این باورند که اعمال صالح انسان در آغاز موجب استحقاق پاداش می‌شود، اما این استحقاق در صورتی پایدار خواهد بود که فرد تا پایان عمر از ارتکاب گناهان کبیره به‌ویژه کفر و ارتداد پرهیز کند. در غیر این صورت، تمامی آثار مثبت اعمال نیک گذشته از بین می‌رود و فرد مستحق پاداش نخواهد بود.

این دیدگاه، پاداش اخروی را از همان ابتدا مشروط به عدم وقوع گناهان می‌داند و معتقد است که ارتکاب گناه بزرگ، زمینه استحقاق پاداش را به‌طور کامل نابود می‌سازد.

دیدگاه دوم: در مقابل موافقان نظریه موافات، افرادی که، شرطیت موافات برای استحقاق ثواب را قبول ندارند؛ از امامیه افرادی همچون از جمله بنو نوبخت، سید مرتضی و شیخ طوسی (سید مرتضی، ۱۴۱۱ق، ۵۲۲)، (طوسی، ۱۳۶۲: ۲۸)، (نعمان بغدادی، ۱۴۱۳ق، ۸۳، ۴)؛ و از میان اهل سنت هم، عمده اهل اعتزال و ابن حزم اندلسی (ابن حزم، ۵۸: ۴-۶۱)

نقد نظریه موافات: نقد اصلی بر این نظریه این است که استحقاق پاداش یا عقاب، با انجام عمل صالح یا فاسد ایجاد می‌شود، اما این استحقاق مطلق و دائمی نیست و می‌تواند در طول زمان دچار تغییر شود. به بیان دیگر، انجام عمل صالح به‌تنهایی برای استحقاق پاداش کافی نیست، بلکه تداوم ایمان تا پایان عمر نیز شرط اساسی آن است. محقق طوسی نیز تأکید دارد که ثواب اعمال صالح مشروط به حفظ ایمان است و در صورت ارتداد یا ارتکاب گناه کبیره، این استحقاق از بین می‌رود.

بر این اساس، اگر فردی ایمان خود را از دست دهد، پاداشی به او تعلق نخواهد گرفت؛ چرا که شرایط لازم برای تحقق آن فراهم نشده است. در نتیجه، در این دیدگاه، احباط به معنای باطل شدن پاداش نیست، بلکه از ابتدا پاداشی به طور کامل محقق نشده بود. این تفسیر با اصل عدل الهی و نیز با آیات قرآنی که ملاک ثواب و عقاب را ایمان پایدار و اعمال همراه با آن می‌دانند، سازگار است.

علامه حلی در کشف المراد برای توضیح مراد محقق طوسی به دو آیه استناد می‌کند:

۱. آیه ۲۱۷ سوره بقره: «لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ» که دلالت دارد بر این که در صورت وقوع شرک، ثواب و پاداش اعمال اساساً تحقق نمی‌یابد.

۲. بر اساس آیه ۶۵ سوره زمر، اعمال انسان بدون ایمان یا در صورت شرک، بی‌اثر و باطل خواهند بود. همچنین در صورت توبه و بازگشت به ایمان، گنهکار مشمول عقوبت نخواهد شد. از دیدگاه محقق طوسی و علامه حلی، احباط در اصل به این معناست که ثواب اعمال نیک مشروط به حفظ ایمان است؛ در نتیجه، با زوال ایمان، استحقاق ثواب نیز از بین می‌رود. بنابراین، این دو اندیشمند اصل احباط را انکار نمی‌کنند، بلکه آن را به فقدان شرط لازم (یعنی ایمان مستمر) نسبت می‌دهند. علامه حلی ضمن نسبت دادن این نظر به محققان، دیدگاه‌های دیگر در تفسیر احباط را نیز مورد نقد قرار می‌دهد (حلی، ۱۴۱۷ق: ۵۵۹-۵۶۰)، ملاصدرا نیز در این راستا تأکید می‌کند که توحید و شرک، به عنوان دو حقیقت متضاد، قابل جمع در وجود انسان نیستند؛ از این رو، مشرکین در قیامت از هرگونه حسابرسی محروم‌اند، چراکه اعمال‌شان به سبب شرک، فاقد ارزش خواهد بود (صدرالمتألهین، ۱۳۸۲: ۹، ۳۱۰).

در مجموع، نظر علمای امامیه بر آن است که برای تحقق ثواب، استمرار ایمان تا پایان عمر ضروری است؛ از این رو، ارتداد و شرک مانع دریافت هرگونه پاداش‌اند و در چنین مواردی، اصطلاح احباط نیز موضوعیت نمی‌یابد.

نظریه دوم: موافقان احباط کلی و جزئی اعمال

در برابر گروه اول که منکران کلی یا جزئی احباطاند و معتقدند آثار تمامی اعمال چه نیک و چه بد همواره محفوظ می ماند و هر عملی اثر خاص خود را خواهد داشت، دیدگاه دیگری مطرح است که از سوی موافقان احباط کلی و جزئی بیان شده است. این گروه بر آن اند که مؤمنان، به محض انجام اعمال صالح همراه با ایمان، مستحق پاداش می شوند و این ثواب در صحیفه اعمال آنان ثبت می گردد. با این حال، ارتکاب گناهان بزرگ یا کفر می تواند این پاداش ها را به طور کامل از بین ببرد؛ همانند آتشی که خرمن را می سوزاند. در این رویکرد، احباط به معنای دقیق آن عبارت است از خنثی شدن ثواب یک عمل نیک به واسطه گناه یا عمل مخالف، بی آنکه اصل عمل یا بستر آن حذف شود. از منظر آنان، احباط تنها به زوال پاداش مربوط است، نه به محو کلی عمل صالح.

معتقدان به این نظریه خود به دو دسته تقسیم می شوند: الف) قائلان به احباط کلی (که خود شامل سه طایفه اند)

ب. قائلان به احباط جزئی.

گروه اول: قائلان به احباط یا تحابط کلی اعمال

چنانچه بیان شد قائلین به احباط یا تحابط کلی اعمال، خود بر سه طائفه و گروهند.

طائفه اول: قائلان به حبط جمیع اعمال نیک و صالح به وسیله ارتکاب گناه یا گناهان کبیره

خوارج و بیشتر معتزله از اهل سنت همچنین زیدیه و برخی از شیعیان مانند محمد مهدی حسینی شیرازی از طرفداران نظریه احباط هستند. این گروه بر این باورند که اگر شخص گناهکار بدون توبه از دنیا برود، مستحق عذاب الهی خواهد بود؛ چرا که گناهان بزرگ می توانند طاعات و عبادات پیشین را از بین ببرند. در این دیدگاه، حتی اگر فردی عمر خود را صرف انجام واجبات و اعمال صالح کند، ولی در پایان زندگی مرتکب گناه کبیره ای همچون شرب خمر شود و توبه نکند، سرنوشت او همانند فردی خواهد بود که هرگز خدا را عبادت نکرده است و جایگاهش دوزخ خواهد بود (تمیمی، ۱۴۰۱ق: ۲۴۲؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ق: ۵، ۱۴۰؛ صبحی، ۱۴۰۵ق: ۳۱۶).

شیخ مفید و فخر رازی نیز از معتزله نقل کرده‌اند که حتی نوشیدن یک جرعه شراب می‌تواند عبادات هفتاد ساله انسان را نابود سازد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۰، ۶۳؛ فخر رازی، ۱۳۴۲ق: ۷، ۵۲). در تأیید این دیدگاه، محمد مهدی حسینی شیرازی تصریح می‌کند که نظریه احباط به شکل مورد نظر معتزله، با شواهد قرآنی و روایی هم‌خوانی کامل دارد (حسینی شیرازی، ۱۳۸۱: ۳۹۵).

طائفه دوم: قائلین به حبط کامل اعمال صالح به واسطه گناهان کبیره

ابن تیمیه بر این باور است که گناه کبیره، اعم از پیش از طاعت یا پس از آن، باعث نابودی تمام اعمال صالح می‌شود و هیچ ثوابی باقی نمی‌ماند که با آن بتوان اعمال دیگر را موازنه کرد (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ۶، ۲۰۴). فخرالدین رازی نیز نظر مشابهی دارد و معتقد است که این گروه بر این عقیده‌اند که گناه صغیره برخی از آثار ثواب را از بین می‌برد (فخر رازی، ۱۴۰۱ق: ۷، ۵۱).

طائفه سوم: قائلین به حبط برخی اعمال صالح در اثر ارتکاب گناه عمده

دیدگاه این گروه، که توسط بزرگان معتزله نظیر قاضی عبدالجبار و ابوعلی جبائی بیان شده، بر این است که اعمال نیک و بد باید با هم مقایسه شوند و در صورت برتری گناه، آثار اعمال صالح نابود می‌شود. این نظریه مشابه به حالتی است که دو ضد در مقابله باهم یکی را از بین رفته و دیگری غالب شود (تفتازانی، ۱۴۰۹ق: ۵، ۱۴۱؛ حلی، ۱۴۱۷ق: ۵۶۰؛ شبر، بی‌تا، ۲، ۲۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵، ۳۳۳). عبدالجبار توضیح می‌دهد که وضعیت هر انسان مکلف می‌تواند به یکی از سه صورت باشد: یا تنها مستحق ثواب است، یا فقط مستحق عقاب، یا همزمان مستحق هر دو. در این صورت، یکی از استحقاق‌ها به‌طور قطعی بر دیگری اولویت پیدا می‌کند و بدین‌گونه است که "اقل" به‌واسطه "اکثر" از بین می‌رود (اسدآبادی، ۱۴۰۸ق: ۶۲۴).

گروه دوم: نظریه موازنه یا احباط جزئی اعمال

نظریه موازنه در مقابل نظریه احباط کلی اعمال مطرح است و به ابوهاشم جبائی و پیروانش نسبت داده می‌شود. ابن تیمیه نیز برخی جنبه‌های این نظریه را پذیرفته است. طبق این نظریه، اعمال نیک و گناهان انسان به طور همزمان مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. اگر یکی از این دو بیشتر از دیگری باشد، تأثیر آن

غالب می‌شود. به عبارت دیگر، اگر یک فرد مستحق پاداش باشد، اما استحقاق عقاب او بیشتر از آن باشد، پاداشش از بین رفته و مقدار اضافی عقاب باقی می‌ماند. به عنوان مثال، اگر فردی مستحق ده واحد پاداش و صد واحد عذاب باشد، پاداش او به طور کامل از بین می‌رود و تنها ۹۰ واحد از عذاب باقی خواهد ماند. این تیمیه در تبیین این نظریه می‌گوید که قرآن و سنت متواتره دلالت دارند بر این که اعمال صالح می‌توانند به واسطه گناهان احباط شوند و پذیرش آن‌ها تنها با تقوا و اجتناب از گناه ممکن است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ۵، ۲۸۵ و ۲۹۶).

در نتیجه، شخصی که هم گناه و هم عمل صالح انجام داده باشد، برای او تنها یکی از این دو باقی می‌ماند: یا اعمال صالحش که بر گناهان غالب است، یا گناهان که بر اعمال صالح او تأثیر می‌گذارد. در صورتی که اعمال صالح و گناهان به یک اندازه باشند، آن‌ها اثر یکدیگر را بی‌اثر می‌کنند و هیچ یک از آن‌ها برای فرد باقی نمی‌ماند.

جمع بندی و نتیجه گیری

در یک جمع‌بندی کلی از مباحث احباط، می‌توان نکات زیر را بیان کرد:

۱. تعریف احباط: احباط به معنای از بین رفتن استحقاق پاداش و ثواب اعمال صالح است، نه اینکه حسنات به طور فیزیکی نابود شوند. این به این معناست که ارتکاب گناهان می‌تواند استحقاق پاداش‌های پیشین را از بین ببرد، بدون اینکه خود عمل صالح از بین رود.
۲. مفهوم احباط در فلسفه و عرفان: در سطح فلسفی و عرفانی، احباط به ارتباط میان نفس و بدن دنیوی اشاره دارد. طبق این دیدگاه، اعمال نیک می‌توانند از نظر فرد، اعمال بد را از نگاه خداوند پوشش دهند و آن‌ها را نابود نکنند. این تحلیل توسط فیلسوفانی مانند ملاصدرا و علامه طباطبایی مطرح شده است.
۳. دیدگاه معتزله و پذیرش احباط: اگر به عقیده معتزله در زمینه احباط باور داشته باشیم، نتیجه آن این خواهد بود که اعمال نیک و بد به‌طور متناوب یکدیگر را خنثی می‌کنند. این دیدگاه به‌طور کلی قابل قبول نیست، زیرا واقعیت پیچیده‌تر از این است.

۴. گناه کبیره و ایمان: شخصی که گناه کبیره مرتکب می‌شود اما ایمانش حفظ می‌شود، همچنان ممکن است امیدوار به آمرزش الهی باشد، حتی اگر گناهش موجب احباط برخی اعمال صالح گردد. آیه «وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا» (توبه: ۱۰۲) دلالت بر این دارد.

۵. دیدگاه موازنه: نظریه موازنه بین اعمال صالح و گناهان، مانند نظریه ابوهاشم جبائی، به عنوان یک دیدگاه منطقی و قابل قبول مطرح است، که در آن تأثیر هر عمل به طور جداگانه سنجیده می‌شود.

۶. تعریف احباط در قرآن: طبق آیات قرآن، هر عمل نیک یا بد به طور مستقل محاسبه می‌شود و تأثیر آن به طور جداگانه اعمال می‌شود (آیات مانند زلزال: ۸، توبه: ۱۰۲، و بسیاری دیگر). اما گناهان بزرگ مانند کفر و ارتداد باعث احباط کامل اعمال می‌شوند.

۷. بین اعمال نیک و گناهان: بر اساس قرآن و احادیث، کسی که هم اعمال نیک دارد و هم گناه کرده، تفاوتی با کسی که هیچ عمل خوبی ندارد، دارد. در صورتی که فردی از رحمت الهی بهره‌مند نشود، ابتدا مجازات خواهد شد و سپس پاداش دریافت می‌کند، که این دیدگاه مخالف نظریه معتزله است.

در نهایت، انسان‌ها در حالت بیم و امید باقی می‌مانند، چراکه درک جزئیات دقیق احباط برای عقل بشر، ممکن است محدود بوده و حکمت الهی مخفی بوده باشد.

یادداشت‌ها

^۱ رجوع شود به آیات (آل عمران: ۲۵ و ۵۷) و (نساء: ۷۷ و ۱۲۴)

^۲ واژه "موافات" از باب مفاعله و مشتق از سه حرف اصلی «و-ف-ی» است. این کلمه در اصل به معنای اتمام و تکمیل به کار می‌رود و دلالت بر به پایان رساندن یا به کمال رساندن چیزی دارد. راغب، ۱۴۱۶: (۸۷۸)، (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۵، ۳۹۸)، (دهخدا، ۱۵، ۲۲۰: ۱۳۷۷)

۳ همچون روایت امام علی (ع) که می فرماید : شک ایمان را فاسد می کند، چنان که نمک غسل را فاسد می کند (تمیمی، ۱۳۶۶ش: ۷۲)

منابع
قرآن کریم

- الوسی، شهاب‌الدین سید محمد. (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. تحقیق علی عبدالباری عطیه. چاپ اول. بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه.
- ابن‌بابویه، ابی جعفر محمد شیخ صدوق. (۱۳۸۹). اعتقادات. صحیح موسسه الامام الهادی (ع). چاپ اول. قم: موسسه الامام الهادی (ع).
- ابن تیمیه حرانی، احمد. (۱۴۰۶). منهاج السنه النبویه. تحقیق محمد رشاد سالم. چاپ اول. انتشارات موسسه قرطبه. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. قم: انتشارات علامه.
- ابن منظور، مکرم مصری انصاری، محمد. (۱۴۰۸). لسان العرب نسقه علق علیه و وضع فهارس. چاپ اول. بیروت: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن ابی الحدید معتزلی، عزالدین عبدالحمید بن محمد. (۱۹۶۱). شرح نهج البلاغه. تحقیق ابراهیم محمد ابوالفضل. تهران: انتشارات اسماعیلیان.
- ابن حزم، اندلسی، ابی محمد علی بن احمد (۱۴۲۰). الفصل فی الملل و الاهواء و النحل. حواشی احمد شمس‌الدین. چاپ دوم. بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه.
- اسدآبادی، قاضی عبدالجبار. (۱۴۰۸). شرح اصول الخمسه. تعلیق احمد بن حسین بن ابی هاشم. تحقیق دکتر عبدالکریم عثمان. انتشارات مکتبه وهبه.
- اسدی سیوری حلی، مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۵). ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين. تحقیق سید مهدی رجایی، به اهتمام سید محمود مرعشی. قم: انتشارات مکتبه آیةالله مرعشی.
- (۱۴۰۰). مقالات الاسلامیین. تصحیح هلموت ریتز. چاپ دوم. انتشارات فرانز شتاينر
- اصفهانى، راغب. (۱۴۱۶). مفردات الفاظ القرآن. تحقیق صفوان عدنان داوودی. چاپ اول. بیروت: انتشارات الدار الشامیه.
- الامین، حسن. (۱۳۹۲). دائرة المعارف الاسلامیه الشیعه. بیروت.
- ایچی، عبد الرحمان بن احمد. المواقف فی علم الکلام. بیروت: انتشارات علم‌الکتب. بدون تاریخ.
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم. (۱۴۰۶). قواعد المرام فی علم الکلام. تحقیق سید احمد حسینی. چاپ دوم. قم: انتشارات مکتبه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله. (۱۴۰۹). شرح المقاصد. تحقیق و تعلیق دکتر عبدالرحمن عمیره. چاپ اول. قم: انتشارات الشریف الرضی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، تصنیف غرر/الحکم و درر/الکلم، محقق، مصحح، درایتی، مصطفی، ص ۷۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول
- تمیمی بغدادی، ابی منصور عبدالقاهر. (۱۴۰۱). کتاب اصول الدین. چاپ دوم. بیروت: انتشارات دارالکتب.
- جعفر طیارى دهقانى، مصطفی. (۱۳۸۰). عمل در ترازوی حق (احباط، تکفیر، موازنه). قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین قم).

- جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تفسیر موضوعی قرآن کریم (معاد در قرآن). تحقیق و تنظیم علی زمانی قمشهای. چاپ پنجم. قم: انتشارات اسراء.
- (۱۳۸۹). تفسیر تسنیم. تحقیق و تنظیم سعید بند علی. چاپ سوم. قم: انتشارات اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۹۹). الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیه. تحقیق احمد عبدالغفور عطار. چاپ اول. قاهره: انتشارات دارالعلم للملایین، و چاپ دوم، بیروت.
- جوینی، ابی المعالی عبدالملک (امام الحرمین). (۱۴۱۶). الارشاد الی قواطع الادله فی اصول الاعتقاد. تحقیق اسعد تمیم. چاپ سوم. بیروت: انتشارات موسسه الكتب الثقافیه.
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۸). الفصول المهمه فی اصول الاثمه. تحقیق و اشراف محمد بن محمد الحسین القائینی. چاپ اول. قم: انتشارات موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع).
- حسینی، حسن بن محمد (سید لواسانی). (۱۳۶۴). نور الافهام فی شرح الارجوزه مصباح الظلام فی علم الکلام. چاپ اول. تهران: انتشارات چاپخانه حیدری.
- حسینی، وحیده (۱۳۹۵)، چیستی احباط و تکفیر و نسبت انها با عدل الهی (پایان نامه ارشد) دانشگاه: تبریز دانشکده: الهیات و علوم اسلامی
- حسینی شیرازی، محمد مهدی. (۱۳۸۱). القول السدید فی شرح التجرید. چاپ اول. نجف اشرف: انتشارات مطبعه الآداب.
- حسینی طهرانی، سید هاشم. (۱۳۵۴). توضیح المراد تعلیقه علی شرح تجرید الاعتقاد. چاپ تبریز: انتشارات مکتبه المفید.
- حلی، ابی منصور حسن بن یوسف. (۱۳۶۳). انوار الملکوت فی شرح الیاقوت. تحقیق محمد نجمی زنجانی. چاپ دوم. قم: انتشارات رضی.
- (۱۳۷۰). باب حادی عشر. شرح فاضل مقداد، ترجمه و شرح حسن مصطفوی. چاپ اول. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- (۱۴۱۷). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. تحقیق و تعلیق حسن حسن زاده آملی. چاپ هفتم. قم: موسسه نشر اسلامی.
- (۱۴۱۶). منهج الیقین فی اصول الدین. تحقیق محمدرضا انصاری. چاپ اول. قم: انتشارات المحقق.
- حمصی رازی، سدیدالدین. (۱۴۱۴). المنقذ من التقليد. چاپ اول. قم: انتشارات موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رستگار مقدم گوهری، هادی. (۱۳۸۱). مفهوم شناسی احباط از منظر قرآن. پژوهش های قرآنی، ۲۹ و ۳۰، ویژه نامه علامه طبرسی.
- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد. (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عدة الأبرار. تحقیق علی اصغر حکمت. چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۲۱). اضاء علی عقائد الشیعه الامامیه و تاریخهم. چاپ اول. تهران: انتشارات مشعر.

- (۱۴۲۷). بحوث فی الملل و النحل. چاپ اول. قم: انتشارات موسسه امام صادق (ع).
- (۱۴۱۹). العقیده الاسلامیه علی ضوء مدرسه اهل البيت (ع). جعفر الهادی. چاپ اول. قم: انتشارات موسسه امام صادق (ع).
- (۱۳۸۳). فرهنگ عقائد و مذاهب اسلامی. چاپ دوم. قم: انتشارات موسسه امام صادق (ع).
- (۱۳۷۰). معادشناسی، در پرتو کتاب، سنت و عقل (ترجمه معاد کتاب الالهیات، ج ۴). ترجمه علی شیروانی. چاپ اول. انتشارات الزهراء.
- (۱۳۸۶). منشور عقائد امامیه. چاپ چهارم. قم: انتشارات موسسه امام صادق (ع).
- (۱۳۸۳). منشور جاوید (عدل، امامت، شفاعت، توبه، احباط و تکفیر). چاپ اول. قم: انتشارات موسسه امام صادق (ع).
- (۱۳۸۳). منشور جاوید (تفسیر موضوعی). چاپ اول. قم: انتشارات موسسه امام صادق (ع).
- سلیمانی بهبهانی عبدالرحیم (۱۴۰۲)، ارزیابی نظریه‌های احباط و تکفیر با سنجه احادیث اهل بیت، فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء
- سید رضی، موسوی بغدادی، سید محمد بن حسین. (۱۴۱۴). نهج البلاغه (صحی صالح). چاپ اول. قم: انتشارات هجرت.
- سید مرتضی، موسوی بغدادی، علی بن حسین. (۱۴۱۱). الذخیره فی علم الکلام. تحقیق سید احمد حسینی. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- (۱۴۰۵). رسائل الشریف المرتضی. تقدیم سید احمد حسینی. قم: انتشارات دارالقرآن الکریم.
- سیوطی، عبدالرحمان بن الکرمال. (۱۴۰۳). الدر المنثور فی التفسیر الماثور. چاپ اول. بیروت: انتشارات دارالفکر.
- شبر، سید عبدالله. (۱۴۱۲). تفسیر القرآن الکریم (شبر). چاپ اول. بیروت: انتشارات دارالبلاغه للطباعة و النشر.
- (بی تا). الیقین فی معرفه اصول الدین. تهران: انتشارات عابدی.
- شجاعی، احمد. (۱۳۸۶). احباط و تکفیر. نشریه کلام اسلامی، ۶۴.
- شکوری، ابوالفضل. (۱۳۶۷). قاعده حبط. نشریه یاد، ۱۱.
- شیبانی، احمد بن محمد (ابن حنبل). (بی تا). مسند الامام احمد بن حنبل. بیروت: انتشارات المکتب الاسلامی و دار صادر.
- صحی، احمد محمود. (۱۴۰۵). فی علم الکلام دراسه فلسفیه لآراء الفرق الاسلامیه فی اصول الدین (معتزله). (چاپ پنجم). بیروت: دارالنهضة العربیه.
- صدرالمتالهین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۲). الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه (با تعلیقات ملا هادی سبزواری، تصحیح و تعلیق سیدجلال الدین آشتیانی). (چاپ اول). قم: انتشارات مطبوعات دینی.
- (۱۳۶۶). تفسیر القرآن الکریم (تحقیق: محمد خواجوی). (چاپ دوم). قم: انتشارات بیدار.
- (۱۳۶۶). شرح اصول الکافی (چاپ اول). تهران: انتشارات محمد خواجوی.

- (۱۳۳۷). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه (تعليقه سبزواری، چاپ اول). تهران: چاپ افست قم.
- شهرستانی، ابی الفتح محمد بن عبد الکریم. (۱۹۹۸). الملل والنحل (تعليقه: دکتر صلاح الدین هواری، چاپ اول). بیروت: انتشارات دار و مکتب الهلال.
- صفی علیشاه، حسن بن محمد باقر. (۱۳۷۸). تفسیر صفی. (چاپ اول). تهران: انتشارات منوچهری.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ‌های ۲ و ۵). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (تحقیق: با مقدمه محمد جواد بلاغی، چاپ سوم). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳). الإحتجاج علی أهل اللجاج (محقق و مصحح: محمد باقر خراسان). مشهد: انتشارات نشر مرتضی.
- طبری آملی، کبیر، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۵). المسترشد فی إمامة علی بن ابی طالب (ع) (محقق و مصحح: احمد محمودی). قم: انتشارات کوشانپور.
- طبری آملی، کبیر، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ اول). بیروت: انتشارات دار المعرفه.
- طوسی، ابوجعفر محمد. (۱۴۰۰). الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد. تهران: انتشارات مکتبه جامع چهلستون.
- (۱۳۵۰). الذکری الالفیة. مشهد: انتشارات دانشگاه الاهیات و معارف اسلامی مرکز تحقیقات و مطالعات.
- (۱۳۹۹). الاقتصاد فی ما یتعلق بالاعتقاد (چاپ اول). نجف: انتشارات جمعیه منتدی النشر.
- (۱۴۰۷). التبیان فی تفسیر القرآن (تحقیق: با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیرعاملی). بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام (محقق و مصحح: حسن الموسوی خراسانی). تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیه.
- (۱۳۶۲). تمهید الاصول (تحقیق: عبدالمحسن مشکاه الدینی، چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طوسی، محمد بن محمد خواجه نصیر الدین. (۱۴۰۷). تجرید الاعتقاد (محقق محمدجواد حسینی، چاپ اول). انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی.
- (۱۴۰۵). تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل (چاپ دوم). بیروت: انتشارات دار الاضواء.
- عسقلانی، ابن حجر. (۱۳۲۵). تهذیب التهذیب (چاپ اول). هند: انتشارات دائرة المعارف النظامیة.
- عسگری، ابوهلال. (۱۴۱۲). معجم الفروق اللغویة (محقق: شیخ بیت الله بیات). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرين (چاپ سوم). تهران: انتشارات مرتضوی.
- غزالی، محمد بن محمد. (۱۴۰۲). احیاء علوم الدین (چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالمعرفة.
- (۱۴۰۸). الاربعین فی اصول الدین (چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالافاق.
- (۱۳۸۸). الاقتصاد فی الاعتقاد (تقدیم عادل العوا). (چاپ اول). بیروت: انتشارات دار الامانه.
- (۱۴۰۵). قواعد العقائد (تحقیق: محمدعلی موسی). (چاپ دوم). بیروت: انتشارات عالم الکتب.
- (۱۳۸۴). قواعد العقائد یا اعتقاد نامه غزالی (ترجمه: علی اصغر حلبی). (چاپ اول). تهران: انتشارات جامی.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن. (۱۳۷۵). روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (چاپ اول). قم: انتشارات رضی.
- فخر الدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۳۴۲). البراهین در علم کلام (مقدمه و تصحیح: سید محمد باقر سبزواری). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- (۱۹۹۲). محصل افکار المتقدمین والمتأخرین من الحكماء والمتکلمین (تعلیق سمیع دغیم). (چاپ اول). بیروت: دار الفكر اللبناني.
- (۱۴۰۱). تفسیر الفخر الرازی (تفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب). (چاپ‌های ۱ و ۲). بیروت: انتشارات دارالفکر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۴). کتاب العین (تحقیق مهدی المخزولی و دکتر ابراهیم سامرائی، تصحیح اسعد کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۲۳). زبدة التفاسیر. تحقیق: بنیاد معارف اسلامی. چ ۱. قم: انتشارات بنیاد معارف اسلامی.
- (بی تا). الکافی. تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری. بیروت: انتشارات دارالاضواء.
- قنبری، مدینه، کاوندی، سحر، اوجاقلو، ابوالقاسم. (۱۴۰۱). احباط و تکفیر و رابطه آن با عدل الهی. کلام پژوهی، 1(1) , 29-52. doi: 10.22034/kalam.2022.250
- کوچک یزدی، محمدجواد، نبی‌اللهی، نجف آبادی، علی (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی مسئله حبط بین المیزان و التحریر و التنویر. مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ۹(۱۶).
- لاهیجی، عبد الرزاق (۱۳۶۲). سرمایه ایمان در اصول اعتقادات. مصحح: صادق لاریجانی آملی. تهران: انتشارات الزهراء.
- ماتریدی، ابی منصور محمد بن محمد (۱۹۷۰). التوحید. تحقیق دکتر فتح الله خلیف. چ ۱. بیروت.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. چ ۳. بیروت: انتشارات موسسه وفاء.
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۵). آموزش فلسفه. چ ۱. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- (۱۳۷۷). آموزش عقائد. چ ۱۶. قم: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). عدل الهی. چ ۱۰. تهران: انتشارات صدرا.
- مطیع، مهدی، اسعدی، سوده (۱۳۹۰). معناشناسی مفهوم حبط در قرآن کریم. مطالعات قرآن و حدیث، ۲(۸).
- معماری، داود؛ اسداللهی، اعظم (۱۳۹۹). شبکه معنایی احباط در قرآن کریم، تفسیر پژوهی پاییز و زمستان

- مقری الفیومی، احمد بن محمد (۱۹۲۸). مصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. ج ۷. قاهره: انتشارات دار الکتب العلمیه.
- مفید، نعمان بغدادی، ابوعبدالله محمد شیخ مفید (۱۴۱۳). اوائل المقالات فی المذاهب والمختارات. به اهتمام دکتر مهدی محقق. تهران: انتشارات موسسه مطالعات اسلامی.
- (۱۴۱۳). مصنفات شیخ مفید. تحقیق: ابراهیم انصاری. ج ۱. انتشارات المؤتمر العالمی لالفه الشیخ المفید.
- علی زنگی پوری، محفوظ (۱۳۸۳) احباط و تکفیر در قرآن و روایات، پایان نامه ارشد. دانشگاه جامعہ المصطفی العالمیه - دانشکده الهیات و معارف اسلامی <http://ganj.irandoc.ac.ir/articles/603440>
- مهدی فر، حسن، (۱۳۹۸)، تحلیل کلامی قرآنی احباط و تکفیر با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، همایش ملی اندیشه های فلسفی کلامی علامه طباطبائی، بیرجند، <https://civilica.com/doc/1135658>
- ناصحیان، علی اصغر (۱۳۷۵). بررسی عوامل حبط. علوم و معارف قرآن، ۳.
- هاشمی علیا، سیده زهرا (۱۳۹۱) بررسی و تحلیل آراء متکلمین (معتزله، اشاعره و امامیه) و فلاسفه مسلمان در بحث احباط و تکفیر، (پایان نامه ارشد) دانشگاه علامه طباطبائی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- یزدی، اقدس و عباسی آغوی، زیثب (۱۳۹۵)، احباط و تکفیر عمل از دیدگاه فخرالدین رازی و آیت الله جوادی آملی، (پایان نامه ارشد) دانشگاه قم - دانشکده الهیات و معارف اسلامی